

## جمهوری اسلامی و سیستم آموزشی و تحصیل طبقاتی



نظام آموزشی کشور ایران، یکی از ارتجاعی‌ترین نظام‌های آموزشی طبقاتی در میان تمام کشورهای جهان است. نه صرفاً از این بابت که محتوای سیستم آموزشی علاوه بر جنبه طبقاتی، عمیقاً با خرافات قرون وسطایی عجین است، بلکه اساساً از آن رو که سیاست حاکم بر آن، محروم کردن فرزندان کارگران و زحمتکشان از دسترسی به مدرسه و امکانات تحصیلی است.

در صفحه ۳

## اعتصاب عمومی کردستان و اهمیت اعتصاب سیاسی سراسری

در اعتراض به اعدام سه زندانی سیاسی رامین حسین‌پناهی، زانیار مرادی و لقمان مرادی و موشکباران مقرهای دو حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران، روز چهارشنبه ۲۱ شهریور در برخی از شهرهای استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه اعتصاب عمومی برگزار شد. اعتصاب بویژه در برخی از شهرها همچون سنندج، مهاباد، بانه، مریوان، بوکان، سقز، سردشت، پیرانشهر، اشنویه و پاوه به صورت گسترده‌ای با استقبال مردم روبرو شد، اعتصابی که از ارومیه در استان آذربایجان غربی تا سرپل‌ذهاب و کرمانشاه را دربرگرفت.

این اولین بار نیست که کارگران، زحمتکشان و کسبه این مناطق دست به اعتصاب عمومی می‌زنند. برای نمونه بارها در سالگرد ترور عبدالرحمان قاسملو رهبر حزب دمکرات کردستان توسط مزدوران جمهوری اسلامی، فراخوان‌های حزب دمکرات برای اعتصاب عمومی با استقبال گرومی از مردم در کردستان روبرو شد. در ۲۳ اردیبهشت ۸۹ نیز مردم کردستان اعتصاب عمومی بزرگی در اعتراض به اعدام ۵ زندانی سیاسی فرزند کمانگر، شیرین علم‌هویی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان برپا کرده بودند.

اما اعتصاب روز چهارشنبه ۲۱ شهریور از اعتصاب اردیبهشت ۸۹ نیز گسترده‌تر برگزار شد، هم از نظر تعداد شهرهایی که اعتصاب در آن‌ها رخ داد و هم از نظر تعداد افرادی که به فراخوان اعتصاب پاسخ مثبت داده و در آن شرکت کردند. اما علت اصلی گستردگی بیشتر این اعتصاب نسبت به اعتصابات قبلی، وجود شرایط انقلابی در جامعه است. از ویژگی‌های دوران انقلابی وارد شدن توده‌های هر چه بیشتری به مبارزه فعال و علنی است، افراد و گروه‌هایی از جامعه که پیش از آن وارد مبارزه علنی با رژیم نمی‌شدند. این مساله‌ای است که ما

در صفحه ۲

## بُن و بسته اقتصادی، پوششی بر انجماد دستمزد

هزینة ماهانه کارگران اضافه شده است. به تعبیر دیگر سبد معیشت کارگران ۸۰۰ تا ۸۵۰ هزار تومان افزایش قیمت داشته که این موضوع را "دولتی‌ها و کارفرمایان" نیز تایید کرده‌اند. اینها به نقل از وی اعلام کرد طی این مدت ارزش دستمزدها ۵۸ درصد کاهش یافته است. البته همین رسانه در مرداد ماه که قیمت دلار هنوز از مرز ۱۰ هزار تومان فراتر نرفته بود، کاهش ارزش دستمزدها را ۷۲ درصد اعلام کرده بود. اما نه آن ۷۲ درصد و نه این ۵۸ درصد هیچ‌کدام بیان واقعی وضعیت موجود نیست. شتاب و

در صفحه ۸

بعداز برگزاری دومین جلسه کمیته مزد شورای عالی کار در ۱۹ شهریور، فرامرز توفیقی رئیس این کمیته که یکی از مزدوران حکومتی مامور به خدمت در تشکل‌های به اصطلاح کارگری دست‌ساز رژیم است، در گفتگو با اینلنا نکاتی را در مورد دستمزدهای کارگری مطرح کرد که حاکی از نقشه‌های شوم سرمایه‌داران و دولت آن‌ها در قبال دستمزدهاست که روزبه‌روز از ارزش آن کاسته شده است. در این گفتگو، رئیس کمیته دستمزد شورای عالی کار اعتراف کرد که از اسفند ۹۶ (مقطع تعیین حداقل دستمزد ۹۷) تاکنون، دستکم ۸۰۰ تا ۸۵۰ هزار تومان بر

## ادبیات سران رژیم: جملاتی بدون "فاعل"

بحران‌های عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که امروزه به شدت اوج گرفته‌اند، به کنکاش درباره علت‌ها و ریشه‌ها دامن زده است. بحرانی بس عمیق که همچون کابوسی بر سر سردمداران رژیم آوار شده و آنان را به هذیان‌گویی واداشته است. اگر در همان روزهای اعتراضات دی ماه، از اصولگرا تا اصلاح‌طلب دستپاچه و شتابان، اعتراضات در بیش از ۱۰۰ شهر را "توطئه دشمن" و "فتنه آمریکایی و صهیونیستی" نامیدند و خواهان سرکوب "اغتشاش‌گران" و "عناصر فرصت‌طلب و عوامل آشوبگر" شدند. با فروکش موج اولیه اعتراضات، شرمندگی از آن که بسیار زود بند را به آب داده‌اند، اعتراضات مردم را "برحق" نامیدند و به وجود "مشکلات معیشتی" مردم اعتراف کردند. هر چند پیش از آن نیز خامنه‌ای و بسیاری از سران سیاسی و تئوریسین‌ها و کارشناسان بورژوازی به این "مشکلات معیشتی" اشاره کرده و هر کدام نهاد و فردی و در مجموع "مدیران نالایق" را متهم می‌کردند.

در صفحه ۵

## خلاصه ای از اطلاعاتیه های سازمان

در صفحه ۷

## اعتصاب عمومی کردستان و اهمیت اعتصاب سیاسی سراسری

در اعتصاب عمومی اخیر بوضوح می‌بینیم و این بهرغم آن است که در اعتراضات دی‌ماه سال گذشته، در شهرهای کردنشین اعتراضات چندانی صورت نگرفت.

در پی فراخوان اعتصاب عمومی، جمهوری اسلامی با دستگیری گسترده برخی از فعالین شناخته شده این شهرها، از جمله فعالین کارگری این مناطق و گسیل نیروهای نظامی سعی در ایجاد رعب و وحشت برای کاهش ابعاد اعتصاب کرد، تلاشی که موفقیتی برای رژیم به همراه نداشت. براساس برخی از اخبار منتشره حدود ۴۰ نفر (و برخی از اخبار ۲۰ نفر) یک روز پیش از برگزاری اعتصاب در شهرهای مریوان، سنندج، سردشت، اشنویه و روانسر دستگیر شدند.

همچنین در روز اعتصاب، مزدوران رژیم در برخی از مناطق بر کرکره مغازه‌های شرکت‌کننده در اعتصاب با رنگ علامت‌گذاری کردند، کاری که در اعتصابات قبلی نیز کرده بودند، همان کاری که سربازان حکومت فاشیستی هیتلر در آلمان می‌کردند. در فردای اعتصاب نیز در شهر بوکان ماشین‌های نظامی برای ایجاد رعب و وحشت در خیابان‌های شهر در یک ستون مانند رژه‌های نظامی به گشت‌زنی پرداختند. عدم تاثیر اقدامات رژیم در ایجاد رعب و وحشت بین مردم (اعتصاب‌کنندگان) بیش از هر چیز نتیجه‌ی همین شرایط انقلابی است. نه تنها ترس توده‌ها از سرکوب رژیم در دوران انقلابی کاهش می‌یابد، بلکه حضور گسترده‌تر توده‌ها در اعتراضات خود عاملی در جهت بالا رفتن روحیه توده‌ها در برابر کاهش روحیه نیروهای سرکوب است.

یکی دیگر از ویژگی‌های این اعتصاب، حمایتی‌ست که از این اعتصاب از سوی جوانان و دیگر گروه‌های اجتماعی در سایر نقاط کشور بویژه در شبکه‌های اجتماعی صورت گرفت. انعکاس این مساله در خارج از کشور و اعتراضاتی که در برابر سفارتخانه‌های رژیم صورت گرفت یک جنبه‌ی دیگر مساله است. انعکاس این مساله در افکار عمومی و رسانه‌های خارجی به‌حدی بود که منجر به واکنش میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و محکومیت اعدام زندانیان سیاسی از سوی وی شد. در یک کلام اعتصاب عمومی کردستان یک شکست برای جمهوری اسلامی و یک پیروزی برای مردم کردستان و کارگران و زحمتکشان ایران است.

در بررسی اعتصاب عمومی کردستان، اولین مساله مهم اهمیت واکنش توده‌ها به سرکوب رژیم است. اعتصاب عمومی کارگران و زحمتکشان کردستان، اعتراضی بود مبارزانه‌جویانه به سرکوب و جنایات رژیم، از اعدام زندانیان سیاسی تا بمباران مقر احزاب مخالف. از نظر زمانی، نباید فراموش کرد که اقدامات وحشیانه‌ی اخیر رژیم پس از جان باختن شریف باجور و سه

همراه‌اش و محکومیت جمهوری اسلامی به دلیل این جنایت در افکار عمومی و بویژه در جریان خاکسپاری جان‌باختگان صورت گرفت. مراسمی که در آن کارگران و زحمتکشان کردستان به درستی رژیم اسلامی را عامل این جنایت اعلام کرده و شعارهایی علیه رژیم و بویژه سپاه پاسداران سر دادند. از همین‌رو بود که جمهوری اسلامی با اعدام زندانیان سیاسی و بمباران مقر دو حزب در کردستان عراق، سعی کرد تا بار دیگر اقتدار و قدرت سرکوب خود را به رخ توده‌ها بکشد. اما اعتصاب عمومی کردستان نه تنها این اقتدار را به زیر سوال برد، بلکه در دوران انقلابی کنونی اهمیت اعتصاب سراسری را به توده‌ها و کارگران و زحمتکشان ایران یادآور شد.

اعتصاب عمومی کردستان و شرکت گسترده‌ی مردم این مناطق در اعتصاب نشان داد که نظر کارگران و زحمتکشان برخلاف تبلیغات جمهوری اسلامی است که زندانیان سیاسی اعدام شده را "تروریست و جنایتکار" و بمباران موشکی مقر دو حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران را با هدف ایجاد امنیت "مردم" در این مناطق اعلام کرد. از نظر کارگران و زحمتکشان ایران از جمله کارگران و زحمتکشان کردستان، سه زندانی سیاسی اعدام شده، انسان‌هایی مبارز و مخالف رژیم و قابل احترام بوده و آنچه که امنیت واقعی مردم را تهدید کرده و از بین می‌برد نه گروه‌های مخالف رژیم بلکه نیروهای نظامی رژیم اسلامی و حضور آن‌ها در خیابان‌ها است که تنها با هدف سرکوب مردم در خیابان‌ها حضور می‌یابند. اعتصاب عمومی کردستان بار دیگر مخالفت توده‌ها با تداوم حکومت اسلامی را نشان داد و این همان چیزی‌ست که رژیم اسلامی را به شدت عصبانی و هراسان می‌سازد.

همان‌طور که پیش از این نیز بارها در نشریه کار بر آن تاکید کردیم، بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که از سوی موجب تشدید تضادهای درونی رژیم شده و از سوی دیگر بر میزان اعتراضات و اعتصابات و تعداد توده‌های شرکت‌کننده در این اعتراضات افزوده، از دی‌ماه سال گذشته که شاهد اعتراضات در بیش از ۱۰۰ شهر بودیم، منجر به بروز اعتلای انقلابی در جامعه شده است. حکومت اسلامی اما برای مقابله با این بحران راه‌حلی ندارد. نه در عرصه‌ی اقتصادی قادر به تخفیف شرایط وخیم و بحران عمیق رکود - تورمی است و نه در سایر عرصه‌ها. حتا در سیاست خارجی نیز با بن‌بست شدیدی روبرو شده و تنها در حال دست و پا زدن برای نجات از غرق شدن است، دست و پا زدن که نه تنها مانع غرق شدن او نخواهد شد، بلکه آن را تسهیل می‌کند.

در چنین شرایطی تنها ابزار واقعی رژیم برای مقابله با موج انقلابی کنونی، سرکوب است. دستگیری بیش از ۵۰۰۰ نفر در اعتراضات

دی‌ماه و محکومیت گروهی از آن‌ها به زندان‌های طولانی، دستگیری دانشجویان و صدور احکام طولانی مدت زندان برای آن‌ها، دستگیری وکلای مدافع زندانیان سیاسی همچون نسرین ستوده، دستگیری فعالان شبکه‌های اجتماعی، فعالان محیط زیست، معلمان همچون محمد حبیبی، معترضان به تجاوز دختران ایرانشهری و غیره در کنار اعدام اخیر ۴ زندانیان سیاسی (کمال احمدی‌نژاد دیگر زندانی سیاسی کرد است که در روزهای اخیر اعدام شد) و موشکباران مقر احزاب در کردستان عراق، همگی بخشی از همین سیاست سرکوب رژیم هستند. سیاستی که نتوانسته است از شدت اعتراضات و امواج خروشان انقلابی بکاهد. سیاستی که در برابر تمامی کارگران و زحمتکشان کشور و تمامی ملیت‌های تحت ستم به یکسان عمل می‌کند. برای نمونه می‌توان به برخورد رژیم به کولبران اشاره کرد. چه در کردستان و چه در بلوچستان جوانان بسیاری قربانی سیاست جنایتکارانه رژیم در این مناطق شده و جان خود را از دست می‌دهند، جوانانی که به دلیل بیکاری و فقر مجبور به انجام این کار سخت و پر خطر هستند. همان جوانان بیکاری که در جریان اعتراضات دی‌ماه سال گذشته، در اقصا نقاط کشور پیشتاز اعتراضات بوده و بی‌محابا به مراکز سرکوب و دیگر مراکز حکومتی حمله کردند. فقر، بیکاری، نبود آزادی‌های سیاسی و غیره معضل تمامی کارگران و زحمتکشان کشور است و تنها راه رهایی از این شرایط برای تمامی کارگران و زحمتکشان ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی است. بنابر این تمامی کارگران و زحمتکشان ایران از کردستان تا بلوچستان، از خوزستان تا آذربایجان و تهران و خراسان، متحد طبیعی یکدیگر هستند.

از همین جا به دومین موضوع در بررسی اعتصاب عمومی کردستان و در واقع مهم‌ترین آن می‌رسیم و آن اهمیت و ضرورت اعتصاب سراسری سیاسی برای سرنگونی رژیم است. همان‌طور که در بالا آمد، حکومت اسلامی به رغم تلاش‌هایش برای ممانعت از اعتصاب عمومی سیاسی در کردستان، نه تنها نتوانست مانع این اعتصاب شود، بلکه تلاش‌هایش هیچ تاثیری حتا در کاهش ابعاد اعتصاب نداشت. حکومت اسلامی و تمامی نیروهای سرکوب‌اش، در برابر اعتصاب عمومی ناتوان هستند. اعتصاب سراسری سیاسی کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران، همان اقدام لازمی‌ست که رژیم را فلج و شرایط را برای سرنگونی رژیم، فروپاشی و تزلزل در نیروهای وفادار به رژیم از جمله نیروهای سرکوب و در نهایت گذار به قیام مسلحانه کارگران و زحمتکشان فراهم می‌سازد. اعتصاب چهارشنبه کردستان یک نمونه در ابعاد کوچک است. این اعتصاب و اعتصابات از نوع اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، زمانی که به یک اعتصاب سراسری سیاسی در ایران فرا برویند، جمهوری اسلامی قادر به سرکوب و مقابله با آن نخواهد بود.

تا آن روز!

## جمهوری اسلامی و سیستم آموزشی و تحصیل طبقاتی



آموزش و پرورش، "در دوره اول متوسطه، پوشش گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال در این دوره ۹۷ درصد است؛ یعنی ۳ درصد از این جمعیت در حال حاضر در مدرسه حضور ندارند و این ۳ درصد، حدود ۱۵۰ هزار دانش‌آموز را شامل می‌شود. در دوره دوم متوسطه، پوشش گروه سنی ۱۴ تا ۱۷ ساله، ۸۷ درصد است؛ یعنی مجموعاً ۱۳ درصد دانش‌آموزان در متوسطه دوم در مدارس حضور ندارند. " بر طبق همین آمار رسمی نیز بر خلاف نظر معاون وزیر، در سال تحصیلی گذشته حدود یک میلیون دانش‌آموز فقط در دوره متوسطه ترک تحصیل کرده‌اند. اما این مقام آموزش و پرورش با وقاحتی که مختص جیره‌خواران حکومت اسلامی است، خیال خود را راحت می‌کند و می‌گوید: "جامعه پذیرفته است که بخشی از دانش‌آموزان بعد از پایان تحصیل دوره عمومی در پایه نهم، نظام آموزشی را ترک کرده و به دنبال اشتغال و حضور در بازار کار بروند."

این جمعیت کودکان خانواده‌های کارگر و زحمتکش که در کل یا به مدرسه نمی‌روند یا ترک تحصیل می‌کنند و در واقعیت هر سال متجاوز از دو میلیون کودک را تشکیل می‌دهند، همان کودکان کار و خیابان هستند که جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده است، ابعاد میلیونی آن‌ها را پنهان سازد. تردیدی نیست که در سال تحصیلی جدید نیز با تشدید وخامت اوضاع اقتصادی، گرانی روزافزون و فقیرتر شدن توده مردم بر تعداد آن‌ها وسیعاً افزوده خواهد شد. بی‌دلیل نیست که پس از ۴۰ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بر ایران، حدود ۹ میلیون بی‌سواد مطلق و ۱۱ میلیون کم‌سواد در ایران وجود دارد و بر طبق سرشماری سال ۹۵، ۵۴ درصد از کل جمعیت بالای ۲۰ سال، موفق به گرفتن مدرک دیپلم نشده‌اند.

تحت حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جز این هم نمی‌توان انتظاری داشت. چراکه به‌حسب تفکر و سیاست‌های این رژیم، تحصیل و ادامه آن متعلق به کسانی است که سرمایه و ثروت دارند. اگر جمهوری اسلامی پس از سرنگونی رژیم شاه زیر فشار شرایط آن دوران ناگزیر شد، تحصیل رایگان را که از قبل وجود داشت، بپذیرد، پس از سرکوب‌های دهه شصت، در اولین فرصت، با سیاست اقتصادی نئولیبرال، خصوصی‌سازی آموزش و تحصیل را آغاز کرد. این خصوصی‌سازی به این معنا بود که نظام آموزشی کشور، یک‌رشته تجاری است و همچون تمام عرصه‌های دیگر اقتصاد، سرمایه‌داران به‌عقد کسب سود در این رشته سرمایه‌گذاری می‌کنند. لذا کسانی باید در این مدارس آموزش ببینند و تحصیل کنند که بتوانند شهریه‌های کلانی را که موسسه تجاری آموزشی تعیین می‌کند، بپردازند. مدارس و دانشگاه‌های خصوصی با حمایت دولت به‌سرعت رشد کردند. گزارش شده است که در سال جدید تحصیلی ۱۷ درصد از کل جمعیت دانش‌آموزی در مدارس خصوصی ثبت‌نام شده‌اند.

این سیاست خصوصی‌سازی نظام آموزشی در سطح مدارس، به آن معناست که هرکس پولدار است، می‌تواند فرزندان خود را به مدارسی بفرستد که از امکانات وسیعی برخوردارند و راه دسترسی آن‌ها را به تحصیلات عالی و

به‌علاوه پرداخت مبالغی که هر سال تحت عناوین مختلف در مدارس دولتی گرفته می‌شود، بپردازد و توان پرداخت آن را ندارد.

پوشیده نیست که در نتیجه فقر گسترده در جامعه ایران و افزایش روزافزون بار هزینه‌های سنگین تحصیل کودکان بر دوش خانواده‌های کارگر و زحمتکش، هر سال بر تعداد کودکان بازمانده از تحصیل افزوده شده است. جمهوری اسلامی به‌رسم معمول یا آماری از کودکان بازمانده از تحصیل انتشار نمی‌دهد، یا مؤسسات دولتی مختلف آمارهایی با اختلاف میلیونی منتشر می‌کنند. در حالی که معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش تعداد ترک تحصیل کرده‌های سال ۹۵ را ۳۱۵ هزار و ۴۱۲ دانش‌آموز اعلام کرد، مرکز پژوهش‌های مجلس آن را متجاوز از ۲ میلیون می‌داند که به حقیقت نزدیک‌تر است.

واقعیتی است که هر سال جمعیتی بزرگ از کودکانی که والدین قادر به تأمین هزینه‌های آن‌ها نیستند، به مدرسه نمی‌روند. این نه‌فقط شامل کودکانی است که در روستاهای مناطق و استان‌های عقب‌مانده از نمونه بلوچستان و کرمان زندگی می‌کنند که به قول گزارشگر ایسنا مردم روستاهای آن‌ها، امثال شهرستان ریگان در شبانه‌روز فقط یک وعده غذا می‌خورند و قوت غالب آن‌ها ماست و یونجه آب‌پز و آب نخود به‌جای آب‌گوشت است، بلکه بخش بزرگی از فرزندان کارگران و تهیدستان حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ و کودکان بی‌شناسنامه را نیز در برمی‌گیرد. در هر سال، هزاران کودک پایشان به مدرسه نمی‌رسد. ده‌ها هزار دانش‌آموز در همان دوره تحصیلات ابتدایی، به علت فقر یا نبود امکانات ادامه تحصیل در روستاها، ترک تحصیل می‌کنند. در دوره متوسطه این ترک تحصیل، افزایش می‌یابد، چون خانواده‌های زحمتکش قادر به تأمین هزینه‌ها نیستند، یا از نمونه روستاهای تعدادی از استان‌ها، اساساً مدرسه‌ای برای ادامه تحصیل وجود ندارد. حتی به ادعای اخیر معاون آموزش متوسطه وزیر

از مشخص‌ترین و میرم‌ترین معضلات لحظه کنونی نظم طبقاتی برای توده‌های زحمتکش که آغاز کنیم، سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌گردد که بحران اقتصادی و تورم افسارگسیخته، میلیون‌ها خانواده کارگر و زحمتکش را زیر شدیدترین فشارهای معیشتی قرار داده است. در یک چنین شرایطی، هزینه تحصیل کودکان آن‌ها که قرار است سال تحصیلی جدید را آغاز کنند، چنان افزایش یافته که خانواده‌ها حتی در محدوده سال‌های گذشته نیز قادر به تأمین این هزینه‌ها نیستند. گزارش‌های روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های دولتی حاکی است که حتی بهای نوشت‌افزار و پوشاک به چند برابر سال گذشته افزایش یافته است. خبرگزاری دولتی ایسنا در گزارشی از افزایش بهای نوشت‌افزار در شهرستان‌ها نوشت:

یکی از فروشندگان لوازم‌التحریر در گجساران به خبرنگار ایسنا گفت: امسال شاهد افزایش چند برابری قیمت‌های نوشت‌افزار در بازار هستیم. متأسفانه در حال حاضر شاهد افزایش سه برابری قیمت اجناس ایرانی در بازار لوازم‌التحریر هستیم.

یکی از شهروندان گجسارانی می‌گوید: اکثر خانواده‌ها دارای چندین دانش‌آموز هستند و تهیه نوشت‌افزار و دیگر اقلام با توجه به قیمت‌های موجود در بازار برای آن‌ها سخت است. تاکنون به چندین نوشت‌افزاری مراجعه کرده‌ام ولی قیمت‌ها حدوداً سه برابر شده است. وی ادامه داد: باوجود اینکه از نظر درآمد در حد متوسط قرار دارم ولی نتوانستم باوجود این قیمت‌های سرسام‌آور تاکنون برای دو فرزند خود نوشت‌افزار موردنیاز آن‌ها را برای سال تحصیلی جدید خریداری کنم.

حال مجسم کنید کارگری با ۳ یا ۴ فرزند که دستمزدش هزینه خوردوخوراک خانواده را هم تأمین نمی‌کند، چگونه می‌تواند فرزندان خود را به مدرسه بفرستد. او باید هزینه هنگفتی را بابت خرید لوازم‌التحریر، پوشاک، و هزینه‌های جانبی

## جمهوری اسلامی و سیستم آموزشی و تحصیل طبقاتی



مشاغل سطح بالا و پر درآمد هموار سازد. روشن است در چنین نظم شدیداً طبقاتی، راه تحصیلات عالی نیز بر فرزندان کارگران و زحمتکشان بسته می‌شود. از همین روست که جز تعداد بسیار محدودی از دانش آموزان مدارس دولتی که دوره متوسطه را با موفقیت طی کرده‌اند، تقریباً همگی باید ادامه تحصیل را متوقف سازند. اگر بخت با آن‌ها یار باشد، در این شرایط دشوار رکود اقتصادی به‌عنوان یک کارگر ساده با دستمزدی ناچیز مشغول کار شوند، یا به‌صفت چندین میلیونی بیکاران بی‌بوندند. تحقیقات به‌وضوح نشان داده است، اکثریت بزرگ آن‌هایی که توانسته‌اند به دانشگاه‌های معتبر کشور دسترسی پیدا کنند، کسانی هستند که با پرداخت شهریه‌های هنگفت ده‌ها میلیونی، در مدارس خصوصی تحصیل کرده‌اند. به گزارش خبرگزاری دولتی ایران، در اواسط شهریورماه رضا امیدی یک استاد دانشگاه علامه طباطبایی در نشست "خصوصی‌سازی آموزش عمومی در ایران" گفت "۶۳ درصد از دانشجویان پذیرفته‌شده در دانشگاه‌های سطح بالایی همچون علامه طباطبائی و شهید بهشتی از ۳ دهک بالای جامعه بوده‌اند و فقط ۸ درصد از سه دهک پایین جامعه به این دانشگاه‌ها راه یافته‌اند." وی در جای دیگری می‌گوید: بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است، بیش از ۷۰ درصد دانشجویان مشهدی این دانشگاه، دوره دبیرستان را در مدارس غیرانتفاعی گذرانده‌اند و از کلاس‌های خصوصی و عمومی برای آمادگی کنکور بهره برده‌اند. وی همچنین می‌گوید: بر اساس مطالعه‌ای که در یک نمونه ۶۰۰۰ نفری از فارغ‌التحصیلان سال‌های اخیر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انجام شده است، حدود ۶۵ درصد نمونه جزو سه دهک پردرآمد جامعه بوده‌اند که اکثر آن‌ها دوره دبیرستان را در مدارس غیرانتفاعی گذرانده‌اند. نرخ اشتغال آن‌ها پس از فارغ‌التحصیلی حدود ۴ برابر سایر فارغ‌التحصیلان بوده و به فرصت‌های شغلی پردرآمدتری دسترسی یافته‌اند"

سیاست جمهوری اسلامی در کل در این راستاست که تحصیل و ادامه آن فقط حق پولدارهاست. حالا اگر مدارس دولتی هم تا همین امروز هنوز وجود دارند، از دیدگاه جمهوری اسلامی، زانند، باید برافتنند و جای خود را به مدارس خصوصی بدهند. روحانی و کابینه او که هارترین مدافعان سیاست اقتصادی نئولیبرال از جمله خصوصی‌سازی نظام آموزشی‌اند، این واقعیت را کتمان نکرده‌اند. آن‌ها هزینه‌های نظام آموزشی کشور را باری بر دوش دولت می‌دانند. لذا از هنگامی که روحانی به قدرت رسید با محدود کردن مداوم امکانات آموزشی، کاهش سال‌به‌سال بودجه آموزشی به نسبت کل بودجه، نظام آموزش عمومی را با وضعیتی رو به ساخته که امروز بودجه این بخش، حتی جوابگوی حقوق ناچیز معلمان نیست. دولت حتی ساخت و بازسازی مدارس فرسوده را بر عهده مردم به‌ویژه خانواده‌های دانش‌آموزان قرار داده است. مدیرکل آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد می‌گوید: ۳۰ درصد مدارس این استان

غیراستاندارد، نیازمند تخریب و مقاوم‌سازی هستند. ۲۸ مدرسه شهرستان بویراحمد استیجاری هستند. وی اضافه کرد هیچ سرانه آموزشی برای آموزش و پرورش نداشتیم به همین دلیل مجبور شدیم دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان از والدین اخذ کنیم.

در حالی که ایران به ازای هر دانش‌آموز ۱۷ هزار تومان سرانه اختصاص داده شده است که این سرانه، در زمره پایین‌تری سرانه‌ها در منطقه خاورمیانه است، تا چه رسد به کشورهای دیگر. به نوشته اقتصادنیوز در آمریکا در سال ۲۰۱۳ میلادی ۱۱ هزار دلار برای هر دانش‌آموز مقطع ابتدایی و ۱۲ هزار و ۵۰۰ دلار برای دانش‌آموزان دبیرستانی اختصاص داده شده بود. در ایران سهم آموزش در بودجه سال جاری به ۹ درصد کاهش یافته است. این رقم برای عربستان با جمعیتی کمی بیش از یک‌سوم جمعیت ایران، در سال ۲۰۱۶، ۲۳ درصد بوده است.

در نتیجه سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی و کابینه روحانی، وزارت آموزش و پرورش به یک وزارتخانه ورشکسته تبدیل شده است. حجم بدهی وزارت آموزش و پرورش تا یک تریلیون تومان برآورد شده است. دولت، سهل و سادترین راه را هم برای نجات از این ورشکستگی، واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی در نظر گرفته است. امسال چهل هزار معلم بازنشسته شده‌اند، نیاز به ۷۰ هزار معلم جدید است، دولت اما بودجه ضروری را به آن اختصاص نمی‌دهد. تنها قرار است تعداد محدودی معلم پیمانی به کار گرفته می‌شوند و تمام بار این کمبود بر عهده معلمان قرار می‌گیرد.

وزیر آموزش و پرورش می‌گوید: حدود ۲۵ درصد مدارس کشور نالین و نیازمند تخریب و بازسازی مجدد هستند، اما عجلتاً بودجه نیست. وقتی که بودجه‌ای برای ایمن‌سازی ساختمان مدارس نیست، دیگر بحثی از امکانات مدارس و دانش‌آموزان نمی‌تواند در میان باشد. چرا چنین

است؟ چون نظام آموزش عمومی از دیدگاه سران مرتجع جمهوری اسلامی، باری بر دوش دولت است.

نه‌فقط در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، بلکه به همین کشورهای اطراف ایران هم که نگاه کنیم، نمی‌توان نمونه‌ای را پیدا کرد که نظام آموزش عمومی کشور را همچون جمهوری اسلامی به یک‌رشته تجاری و تحصیل را حق ویژه‌ای برای پولدارها تبدیل کرده باشد و هر سال میلیون‌ها کودک را از تحصیل محروم نماید. وزیر آموزش و پرورش می‌گوید بودجه نیست. درست می‌گوید. چون اولویت‌های یک رژیم فوق ارتجاعی جای دیگری است. باید هر سال ده‌ها میلیارد دلار صرف هزینه نیروهای نظامی و امنیتی، توسعه‌طلبی در سوریه، لبنان، عراق، یمن، هزینه دستگاه‌های تحقیق مذهبی شود و بخشی هم به جیب سرمایه‌داران و مقامات دزد و فاسد حکومت سرازیر شود. بنابراین، چیزی باقی نمی‌ماند که هزینه آموزش و پرورش عمومی شود. اکنون دیگر خرابی اوضاع وزارت آموزش و پرورش به نقطه‌ای رسیده است که اخیراً وزیر آن اعلام کرد که خصوصی‌سازی تنها راه نجات این وزارتخانه است. این گفته بدان معناست که آنچه تاکنون انجام گرفته کافی نیست. باید بقیه مدارس کشور هم به بخش خصوصی واگذار شود.

این نظم ارتجاعی طبقاتی که حق همگانی به آموزش و تحصیل رایگان را به یک حق و امتیاز ویژه برای ثروتمندان و سرمایه‌داران تبدیل کرده است، باید از ریشه برانداخت. چهل سال حاکمیت ستمگرانه جمهوری اسلامی به‌وضوح نشان داده است

که حتی برای تحقق تحصیل رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه و رایگان بودن تحصیلات عالی که خواست عموم کارگران و زحمتکشان است، هیچ راهی جز برانداختن جمهوری اسلامی و سرنگونی نظم طبقاتی حاکم نیست.

## ادبیات سران رژیم: جملاتی بدون "فاعل"

چندی نگذشت که با اعلام خروج قریب‌الوقوع آمریکا از توافق برجام، بهانه جدیدی به دست آمد تا تحریم‌های هنوز به اجرا درنیامده، "مقصر اصلی" جلوه داده شوند. در پی آن، سقوط آزاد ارزش ریال، افشای چپاول میلیاردها دلار ارز دولتی، آشکار گشتن نتایج سیاست‌های فاجعه‌بار زیست محیطی با کم‌آبی و بی‌برقی، ژرفا و گستره‌ی بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را چندان عیان ساخت که لازم آمد تا حتی "وجود بحران" هم انکار شود و به "تصورات و توهمات" و "جنگ روانی" تقلیل یابد. حداکثر به "مشکلاتی" ناشی از وجود "مدیران نالایق" اذعان شود که رژیم بر آن‌ها فایق خواهد آمد! روحانی، رئیس کابینه، در وقاحت تا به جایی پیش رفت که مردم و اعتراضات دی ماه را در تصمیم ترامپ به خروج از برجام و اعلام برقراری مجدد تحریم‌ها مقصر شمرد.

یکی از این سران، جهانگیری معاون اول روحانی است که اخیراً در "مراسم امضای قراردادهای مشارکت بخش خصوصی در صنعت آب و فاضلاب"، به جز ادعاهای موهوم دیگر، از "تأثیر زیاد تحریم‌ها" بر اقتصاد ایران و "جنگ اقتصادی" و نیز "جنگ رسانه‌ای و سیاسی" و تأثیر آن‌ها بر "افکار عمومی" سخن گفته است. گرچه تحریم‌ها تأثیر دارند، اما نه در آن حد که وی ادعا می‌کند.

اقتصاد ایران در تمام دوران موجودیت رژیم با یک بحران رکودی - تورمی روبرو بوده است. این بحران در دوران زمامداری روحانی تشدید یافته است. مسلماً در اقتصاد نفتی ایران که به درآمدهای نفتی متکی است، تحریم بر افت و خیزهای بحران اقتصادی و به ویژه اوضاع مالی دولت، تأثیرات جدی بر جای خواهد گذاشت، اما نه چنین به سرعت و طی چند ماه و حتی پیش از برقراری کامل آن‌ها. چنان که اکنون شاهدیم.

در دی ماه، در تداوم این بحران و وخامت روزافزون وضعیت معیشتی، توده‌های مردم در اعتراض به گرانی، فقر، بیکاری، چپاول داری و پس‌اندازشان توسط مؤسسات مالی و اعتباری مورد حمایت دولت، فساد سیستماتیک و بسیاری معضلات دیگر به خیابان‌ها آمدند. مطالباتی که آن زمان، از سر ناچاری و در غیبت اعلام تحریم‌ها، با اما و اگرهای بسیار، "برحق" خوانده شدند و اکنون که بیکاری گسترده‌تر، گرانی ساعت به ساعت فزون‌تر، ورطه‌ی فقر عمیق‌تر گشته از سوی یکی از مقامات بالای کابینه، به "جنگ سیاسی و رسانه‌ای" نسبت داده می‌شود.

هیچ تحریمی نمی‌تواند در چند ماه، بیش از ۱۰ میلیون بیکار رسمی، سقوط ۸۰ درصد از جمعیت کشور به زیر خط فقر، حاشیه‌نشینانی ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفری، افزایش سرسام‌آور نرخ‌های تورم را به یکباره بیافریند. در روزهای اخیر از سوی برخی مقامات اقتصادی دولت اعلام شده است طی ۴۰ سال گذشته قیمت کالاها چند هزار برابر شده است؛ برای مثال همراه با افزایش ۲۰۰۰ برابری قیمت دلار، قیمت گوشت ۱۰ هزار برابر شده است. بحران‌های عمیق

اجتماعی نظیر اعتیاد، فروش اعضای بدن، فحشا، کارتن‌خوابی، کودکان بازمانده از تحصیل و کودکان کار، سوء تغذیه کودکان به ویژه در مناطق محروم و ده‌ها معضل دیگر نمود بارز همین فقر و محرومیت فزاینده‌اند.

هدف دیگر، به جز انحراف افکار عمومی از علت اصلی وضعیت معیشتی کنونی، توهپراکنی است تا عده‌ای باور کنند با رفع تحریم‌ها، وضعیت اقتصادی مردم بهبود خواهد یافت. توهمی که جز سران رژیم، و به ویژه اصلاح‌طلبان و رسانه‌های داخلی، مقامات و رسانه‌های خارجی نیز در پراکندن آن کوشا هستند. آنان چنین می‌نمایانند که مذاکره و توافق بر سر "برجامی" دیگر با آمریکا به وضعیت اقتصادی سر و سامان داده و مردم را از شرایط مشقت‌بار کنونی خواهد رهانید.

بر اساس آمار سازمان کشورهای صادرکننده نفت "اوپک" تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۷، یعنی پس از توافق برجام و رفع تحریم‌ها، از ۴۱۹ میلیارد دلار به ۴۴۷ میلیارد دلار رسید. هرچند روحانی وعده داده بود با رفع تحریم‌ها "چنان رفاهی" پدید آورد که مردم در خواب هم ندیده باشند و مدعی بود "سانتریفیوژها باید بچرخند و چرخ اقتصاد مردم هم"، اما درآمد حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های آن که به جیب دولت سرازیر شده بود از کیسه نهادهای نظامی و مذهبی و سران رژیم و سرمایه‌داران سر درآورد و بیکاری و گرانی و فقر بهره‌ی مردم شد. در دوران "دستاوردهای برجامی" بود که واحدهای صنعتی همچنان تعطیل می‌شدند؛ کارگران بیکار می‌شدند؛ دستمزدها متناسب با سطح تورم افزایش پیدا نمی‌کردند؛ همان دستمزدهای حقیر هم به موقع پرداخت نمی‌شدند. روندی که طی ۴۰ سال گذشته همواره ادامه داشته است. به گونه‌ای که به رغم ارائه آمارهای متفاوت، کارشناسان و سران رژیم هم‌نظرند که اکنون شکاف و نابرابری طبقاتی ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. گفته می‌شود ۹۵ درصد نقدینگی در دست ۵ تا ۶ درصد افراد است. در حالی که ۵۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی زیر خط فقرند. سال گذشته نماینده وزارت بهداشت گفته بود: "۳۰ درصد مردم ایران دچار فقر غذایی هستند و نان برای خوردن ندارند." رقمی که در مناطق محروم به بیش از

۷۰ درصد هم می‌رسید و در پرتوی تورم کنونی، باز هم افزایش یافته است.

البته به جز تحریم‌ها، در اختلافات و کشاکش‌های جناحی به زبان ابهام و اشاره از علل دیگری هم نام برده می‌شود، مانند "دولت در سایه"، "دولت با تفنگ" و غیره. اما حتا در دایره اقتدار کابینه، نیز مسئولان کابینه، ریشه‌ی معضلات را به علل مجهول و نامعلومی حواله می‌دهند. نمونه‌ی آن جهانگیری، معاون اول ریاست جمهوری است. وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، از مدیران "نقنقو" یاد می‌کند. وی پیش از این هم به وجود "مدیران بی انگیزه، ترسو، نالایق و آویزان" اشاره کرده بود. "مدیرانی نالایقی" که معلوم نیست توسط چه کسانی و چگونه بر این پست‌ها و مقام‌ها "آویزان" شده‌اند و چرا همچنان با وجود اثبات "بی‌ایقانی" بر سر کارند. و روشن هم نیست بر عهده کدام نهاد است که این "مدیران نالایق" را شناسایی و از کار برکنار کند. در این رژیم همه کائنات مقصرند به جز طبقه حاکم سرمایه‌دار و نماینده سیاسی آنان یعنی جمهوری اسلامی.

این هم از معجزاتی است که شاید تنها در رژیم اسلامی حاکم روی دهد. یعنی عدم وجود هیچ مقصر و مسئولی در برابر نابسامانی‌ها. از آن گذشته، ردیف شدن خود دست اندرکاران در صف شاکیان اصلی! از همین روست که در ادبیات سیاسی سران رژیم، "فاعل" از جملات رخت بر بسته و فعل‌ها به هیئت افعال مجهول درآمده‌اند. هرچند در رژیمی که بالاترین مقام‌اش، یعنی رهبر جمهوری اسلامی رسماً و طبق قانون به هیچ مرجع و نهاد و ارگانی و حتا مردم پاسخگو نیست، انتظار پاسخگویی از زیردستان‌اش، انتظاری بیهوده است.

گو آن که اگر بخواهند پاسخ دهند، پاسخی ندارند جز آن که: تنها هدف ما حفظ قدرت و کسب ثروت و رواج دین و خرافات است و در این راه از هیچ گونه دزدی و غارت و جنایت دریغ نمی‌کنیم. آن‌چه برای ما اهمیتی ندارد سرنوشت و زندگی میلیون‌ها انسانیست که به زور سرنیزه بر آن‌ها حکمروایی می‌کنیم.

اما تاریخ بارها ثابت کرده است، این پاسخ، پاسخ نهایی نیست. بحران انقلابی که امروزه به رغم انکارها، سراسر جامعه را فراگرفته و هر روز تعداد دیگری از مردم ناآگاه را از رژیم جدا می‌کند و به صف مخالفین می‌راند، سرانجام برپای‌دارندگان این رژیم ننگ و جنایت و ظلم را وادار به پاسخگویی خواهد کرد.

**رژیم جمهوری اسلامی را  
باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی  
و قیام مسلحانه برانداخت**

## بُن و بسته اقتصادی، پوششی بر انجماد دستمزد



کارگران پرداخت و جبران شود. اصل این است که با وعده‌های بسته‌ای و بُن‌های بی‌بُنی‌وپایه، کارگران را از دست زدن به اعتصاب و اعتراض و تظاهرات خیابانی بازدارند و در عین حال چیزی به دستمزدهای کارگری اضافه نکنند و آن را منجمد سازند.

از زمانی که حسن روحانی به ریاست‌جمهوری رسید، انجماد دستمزدها نیز بطور جدی در دستور کار کابینه وی قرار گرفت. تعیین دستمزد های منقطع و منطقه ای و غیره نیز در همین رابطه مطرح شد. علی ربیعی وزیرکار پیشین گام‌های مهمی در این زمینه برداشت. وی تمام تلاشش این بود که با رقم‌سازی، میزان تورم را تکریمی سازد یا آن را روی کاغذ حتا به صفر برساند! تا ماده ۴۱ قانون کار که دولت را موظف می‌سازد هر ساله مطابق نرخ تورمی که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود، حداقل دستمزد را افزایش دهد، بی‌اثر سازد. در شرایط کنونی اما حرف زدن از تورم بکرقمی منتفیست. چون اوضاع به مراتب بدتر شده است. گرانی و تورم به حدی است که کسی از درون یا بیرون کابینه روحانی، ولو پرورتترین و قبیح‌ترین آن‌ها، جرات نمی‌کند ادعاهای دوره علی ربیعی را تکرار کند. بنابراین برای انجماد دستمزدها با حربه‌های دیگری وارد مقابله با طبقه کارگر شده‌اند، با بُن و بسته‌های اقتصادی و این بهانه که افزایش نقدی مزد، موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود!

وعده‌ها و "بسته‌ها" زیادند اما بطور واقعی کسی به فکر کارگران و افزایش دستمزدها نیست. "انوشیروان محسنی بندپی" سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پاسخ به پرسش خبرنگار اینلا که می‌پرسد "برنامه دولت برای افزایش دستمزد کارگران چیست؟ مطلقا سکوت می‌کند و با گفتن اینکه "می‌خواهیم فشارهای ناشی از نوسانات قیمت‌ها را پوشش دهیم، از پاسخ به سوال طفره می‌رود. او در جای دیگری می‌گوید "هدف دولت صیانت و حفاظت از واحدهای تولیدی است و تلوپحا از کمک به شرکت‌هایی که خواهان افزایش سرمایه‌ی در

درمورد آن داشته باشد، اما کارگزاران حکومتی درحالی از واریز مبلغ ۸۰۰ هزار تومان به حساب کارگران صحبت می‌کنند که اصل این طرح هنوز روی هواست و نخست باید در شورای عالی کار به تصویب برسد!

می‌بینیم که ابتدا وعده ۸۰۰ هزار تومانی مطرح می‌شود، سپس از غیرممکن بودن پرداخت نقدی آن سخن گفته می‌شود و در آخر هم همه چیز موکول به شورای عالی کار می‌شود که فعلا نه جلسه‌ای در این مورد داشته و نه تصمیمی درباره آن اتخاذ کرده است. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاده و اتفاق می‌افتد این است که زمینه‌های روانی این موضوع فراهم می‌شود که کسی "نه دولتی‌ها و نه کارفرمایان" پولی به کارگران نخوانند پرداخت و دستمزدها تغییری نخواهد کرد، بلکه آن‌ها باید به بُن و بسته‌های اقتصادی که روی هواست دلخوش باشند.

این روزها در مورد بسته‌های اقتصادی تبلیغات زیادی به راه افتاده است. محمداقبر نوبخت، معاون روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه از اختصاص ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه، برای اجرای برنامه‌ها و بسته‌های اقتصادی دولت خبر داد که "ابتکار" روزنامه حامی کابینه روحانی، این خبر را اعلام کرد. به گفته نوبخت ۱۳ میلیارد دلار از این مبلغ برای ۲۵ قلم کالا اختصاص خواهد یافت. علاوه بر این رئیس سازمان برنامه و بودجه یک فهرست از پنج بسته شامل حمایت از تولید، حمایت از پیمان‌کاران و حمایت از گروه‌های کم‌درآمد ارائه کرده است. روزنامه "شرق" که موضوع را از روزنامه ابتکار نقل کرده به مسخره این بسته‌های بی‌پشتوانه و توخالی را "بسته‌های خوشبختی نوبختی" نامیده است. بسته‌هایی که منبع تامین بودجه و هزینه آن بکلی مجهول است، معلوم نیست کالاهای مورد نظر از کجا و توسط چه کسی یا چه نهادی باید خریداری شود و توسط چه کسی یا چه نهادی توزیع شود و به دست مردم برسد! از این‌ها گذشته ۱۳ میلیارد دلار اختصاص یافته برای ۲۵ قلم کالا که معادل ریالی آن ۱۷۰ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان ذکر شده، معنایش این است که هر دلار ۱۳۴۶ تومان محاسبه شده است. این درحالی‌ست که اگر نرخ دلار معادل ۴۲۰۰ تومان باشد، معادل ریالی ۱۳ میلیارد دلار، ۵۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان می‌شود که از کل رقم اختصاص یافته به بسته‌های گوناگون نوبخت (۳۰ هزار میلیارد تومان) بیشتر است. همه این‌ها حاکی از ناروشنی و ابهام و توخالی بودن وعده‌های سران و مقامات حکومتی‌ست که بر بستر شرایط بحرانی موجود و نارضایتی گسترده کارگران و زحمتکشان، به زغم خودشان برای آرام سازی وضعیت انفجاری جامعه، به مردم می‌دهند.

وضعیت وزارت کار و شورای عالی کار و کمیته دستمزد آن نیز خارج از این قاعده کلی نیست. قرار نیست حتا رقم ۸۰۰ هزار تومان که به اذعان و اعتراف خودشان، از فروردین سال جاری، بر هزینه کارگران افزوده شده است، به

می‌کنند اما باید دید آیا کسی به فکر کارگران هست؟ آیا کارفرمایان و دولت آن‌ها حاضر هستند لااقل همان کاهش ۸۰۰ هزار تومانی ارزش دستمزد یا افزایش هزینه ماهانه کارگر که همه طرف‌های ماجرا در کمیته دستمزد شورای عالی کار آن را تایید کرده‌اند، از اول مهر ماه به کارگران بپردازند؟ آیا حاضرند بابت این افزایش هزینه در شش ماه گذشته، در جا ۵ میلیون تومان به هر کارگر بپردازند؟

شواهد موجود حاکی از آن است که سرمایه‌داران اعم از دولتی یا بخش خصوصی حاضر نیستند ولو به همین نسبت که هنوز فاصله زیادی دارد با آنچه که در عالم واقعی از ارزش دستمزدها کاسته شده است، دستمزدها را افزایش دهند. این ۸۰۰ هزار تومانی که اینلا حول آن تبلیغات زیادی بر راه انداخته است، اولاً باید در شورای عالی کار تصویب شود و در صورت تصویب در شورای عالی کار، به کارگران با خانوارهای ۳/۳ نفره داده شود! در خانوارهای کارگری با جمعیت کمتر، مبلغ فوق نیز کمتر خواهد بود. اما به فرض تصویب در شورای عالی کار، این مبلغ چگونه قرار است به کارگران داده شود؟ رئیس کمیته مزد شورای عالی کار می‌گوید "نه دولتی‌ها نه کارفرمایان این رقم را نقدی می‌پردازند و نه ما نمایندگان کارگری با پرداخت نقدی افزایش مزد موافقم"

صرفنظر از اینکه جاسوسان و کارگزاران حکومتی متشکل در شوراهای اسلامی و خانه کارگر که عنوان "نمایندگان کارگری" را با خود یدک می‌کشند، همدست و نوکر سرمایه‌داران و دولت آن‌ها هستند و هیچ ربطی به کارگران ندارند، اما در هر حال از هم اکنون روشن است که "نه دولتی‌ها و نه کارفرمایان" پولی به دست کارگران نخواهند داد و عمال آن‌ها در کمیته دستمزد شورای عالی کار نیز جز این نمی‌خواهند.

با این همه، این مانع از آن نیست که کارگزاران رژیم و خبرگزاری‌هایی چون اینلا، از تلاش برای ممانعت از اعتراض کارگران نسبت به وضع موجود و به منظور سرگردانی و در حال انتظار نگاه داشتن آن‌ها از "جزئیات" "واریز" این مبلغ به صورت "بن کارت به حساب کارگران" سخن نگویند. اینلا می‌نویسد، این ۸۰۰ هزار تومان بسته به تعداد خانوار، تناسب بندی می‌شود و در بن کارت کارگر جدا از دستمزدش ریخته می‌شود و کارگر می‌تواند با در دست داشتن این کارت برود از فروشگاه‌های زنجیره‌ای خرید کند.

صرفنظر از اینکه در چنین حالتی کارگر هنگام تهیه کالای مورد نیاز خود هیچ‌گونه انتخابی ندارد، جز آن‌که هر کالایی که در این فروشگاه‌ها عرضه می‌شود و به هر قیمتی که فروخته می‌شود، بخرد! و صرفنظر از اینکه چنین روشی اساسا بخاطر عدم افزایش دستمزد و تکه‌تکه کردن آن است به گونه‌ای که این رقم هنگام محاسبه مزایا و بازنشستگی و امثال آن به حساب نیاید و کارگزاران هیچ‌گونه ادعایی

## خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

"از اعتصاب عمومی مردم زحمتکش کردستان حمایت کنیم" عنوان اطلاعیه ای است که سازمان فدائیان (اقلیت) در تاریخ بیستم شهریور ماه ۹۷ و در حمایت از اعتصاب عمومی مردم کردستان صادر نمود. در این اطلاعیه چنین آمده است:

عملیات نظامی هوایی و موشکی رژیم سرکوب گرجمهوری اسلامی به مقر حزب دموکرات کردستان ایران و حزب دموکرات کردستان واقع در اقلیم کردستان عراق که منجر به کشته و زخمی شدن ده ها تن از کادرها و پیشمرگان این دو حزب شد، همچنین اعدام جنایتکارانه سه زندانی سیاسی کرد در روز هفده شهریور، موج وسیعی از خشم و نفرت مردم آزادیخواه را در پی داشت. در اعتراض به این اقدامات جنایتکارانه و برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام، مردم کردستان روز ۲۱ شهریور دست به یک اعتصاب عمومی خواهند زد که باید از آن حمایت کرد.

اقدامات وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر نشان داد که این رژیم جنایتکار که از همان ابتدای به قدرت رسیدن، یورش وحشیانه به احزاب و سازمان های کمونیست، انقلابی و مخالف خود را آغاز کرد و تاکنون هزاران تن از اعضا و هواداران آن ها از جمله هزاران زندانی سیاسی را در سرتاسر کشور به قتل رسانده است، مادام که به حیات ننگین خود ادامه دهد، از زندان و کشتار و اعدام مخالفین خود دست برنخواهد داشت."

در ادامه اطلاعیه ضمن اشاره به این موضوع که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جز کشتار و اعدام، جز فقر و بدبختی و بیکاری و دها معضل اجتماعی، هیچ ارمان دیگری برای توده های مردم زحمتکش ایران نداشته است می نویسد: "کارگران و تمام اقشار زحمتکش در سرتاسر کشور از ظلم و ستم و استثمار طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه به ستوه آمده اند. معلمان و فرهنگیان، پرستاران، بازنشستگان، کشاورزان، زنان، دانشجویان، رانندگان، روشنفکران و نویسندگان و در رأس همه کارگران در اشکال گوناگونی به ویژه در شکل اعتصاب و اعتراض خیابانی علیه رژیم و برای تغییر وضع موجود دست به اعتراض زده اند. وقت آن است که با گسترش اعتراضات و اعتصابات سراسری، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را در مقیاس تمام کشور به چالش کشید."

اطلاعیه در پایان ضمن حمایت از اعتصاب عمومی مردم زحمتکش کردستان، کارگران و عموم زحمتکشان را به گسترش اعتراضات و اعتصابات و تشدید مبارزه برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی فرا خوانده است.

## بن و بسته اقتصادی، پوششی بر انجماد دستمزد

گردش خود هستند، حمایت می کند. بنابراین نه مقامات وزارت کار و نه هیچ مقام دیگری در اندیشه کارگران و دستمزد آن ها نیست. جز وعده های سرگرم کننده و بسته هایی که منابع بودجه و هزینه آن ناروشن است، چیزی تحویل کارگران نمی دهند.

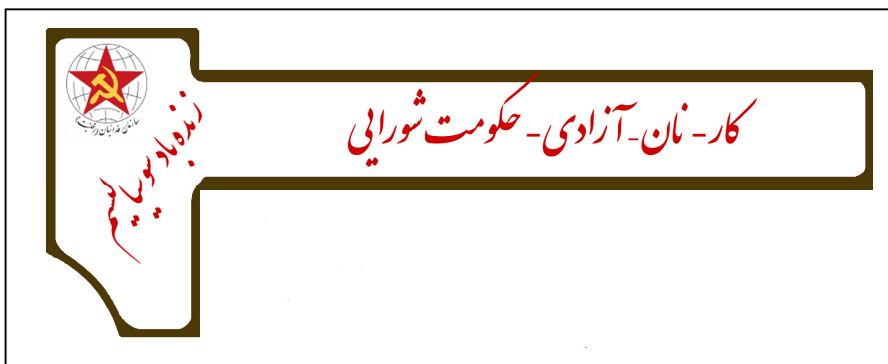
باید اضافه کرد که وضعیت اقتصادی و مالی رژیم به شدت بحرانی است و منابع درآمدی آن که از هم اکنون نیز کاهش یافته و محدود شده، با اجرای مرحله بعدی تحریم ها کمتر و محدودتر نیز خواهد شد. بسیاری از سران رژیم دیگر پنهان نمی کنند که تحریم ها تأثیرات زیادی بر اقتصاد جمهوری اسلامی گذاشته است. اسحاق جهانگیری معاون روحانی، شرایط را "خطیر و دشوار" تصویر می کند و اذعان دارد که تحریم ها تا همین جا هم تأثیرات زیادی بر اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی برجای گذاشته است. با این همه اسحاق جهانگیری به تبعیت از خامنه ای و روحانی، راحل معضلات اقتصادی را تقویت بخش خصوصی، واگذاری آب و برق و نفت و طرح های نیمه تمام و هر چه باقی مانده است به بخش خصوصی و معافیت مالیاتی ۱۰ ساله سرمایه داران می داند.

همه مقامات دولتی و حکومتی مانند همیشه فقط و فقط در تلاش سودرسانی بیشتر به کارفرمایان و سرمایه داران هستند و با تعرضات پی در پی، سطح زندگی طبقه کارگر را به مرزهای تباهی و نیستی و نابودی رسانده اند. روشن است که کارگران نمی توانند در برابر این یورش ها دست روی دست بگذارند و نخواهند گذاشت. کارگران با تکیه بر اتحاد و اتفاق خود قادرند در برابر این تعرضات بایستند، خواهان افزایش دستمزد شوند و تلاش سرمایه داران و دولت آن ها برای انجماد دستمزدها را خنثا سازند. هرکاری این را می داند که ۸۰۰ هزار تومان کافی نیست و کاهش ارزش دستمزد و قدرت خرید را جبران نمی کند. اگر قیمت کالاها مورد نیاز گران دو تا سه برابر شده است، پس دستمزدهای کارگری نیز دست کم به همین نسبت باید اضافه شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در این مورد اقدام به جمع آوری امضای اعتراضی از کارگران برای افزایش دستمزد نموده و خواهان افزایش فوری دستمزد شده است. سندیکای کارگران شرکت واحد، با انتشار یادداشتی در کانال تلگرامی خود چنین اشاره کرده است: "ما رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، پیش از موج اخیر گرانی ها به دلیل دستمزد پایین، برغم اضافه کار فراوان از حداقل های معیشت محروم بوده ایم و با موج اخیر گرانی ها که یکباره قیمت ها دو برابر و در برخی اقلام چند برابر شده است، حتی قدرت تهیه مواد غذایی ضروری و مسکن حداقلی را از دست داده ایم" سندیکای کارگران شرکت واحد با طرح شعار "با همدلی، اتحاد و همبستگی پیش به سوی افزایش فوری دستمزد" خواهان افزایش فوری دستمزد با مبنا

دستور کار قرار می دهد. برای مقابله با تعرض سرمایه داران و رژیم سیاسی آن ها، برای مقابله با انجماد دستمزدها و برای افزایش فوری آن، باید از اشکال متنوع مبارزه، از نمونه، تجمع، تظاهرات، راهپیمایی و امثال آن سود جست، باید بیش از گذشته خانواده ها را بسیج کرد و به خیابان آمد و اعتصاب و اتحاد را در سرتاسر مبارزات قرار داد.

قراردادن گرانی های اخیر شده است. ناتوانی حتی برای تهیه مواد غذایی ضروری، معضلی است که نه فقط کارگران شرکت واحد، بلکه اکثریت قریب به اتفاق کارگران در دام آن گرفتار آمده اند. ابتکار عمل سندیکای کارگران شرکت واحد، اگرچه ابتکار عمل جالبی است، اما در شرایط کنونی نمی توان و نباید فقط به این شکل مبارزه بسنده کرد. بویژه آن که شرایط بحرانی جامعه اشکال عالی تری از مبارزه را در



برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

Gironummer 2492097  
نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:  
NL08INGB0002492097  
BIC: INGBNL2A  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>  
آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)  
آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توییتر

<https://twitter.com/fadaiana>  
آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>  
آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 790 September 2018

## بُن و بسته اقتصادی، پوششی بر انجماد دستمزد



در صفحه ۶

میزان افزایش قیمت‌ها و کاهش ارزش ریال از فروردین سال جاری تاکنون واقعا سرسام‌آور بوده است. قیمت برخی اقلام و کالاهای ضروری دو برابر، برخی سه برابر و برخی حتی به چند برابر افزایش یافته است. وقتی کارگر برای خرید یک کالا باید دو تا سه برابر همان پولی را بپردازد که در اسفند ۹۶ برای همان کالا می‌پرداخت، این به معنای آن است که ارزش دستمزد وی ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد کاهش یافته است. نیازی به محاسبات پیچیده ریاضی نیست. اگر قیمت کالاهای ضروری نسبت به اسفند ۹۶ تا سه برابر افزایش یافته است، روشن است که قدرت خرید طبقه کارگر در شهریور سال جاری به یک سوم قدرت خرید آن در اسفند ۹۶ سقوط کرده است.

بهرغم گرانی‌های وحشتناک و کاهش کم‌سابقه و بی‌مهار ارزش ریال و سقوط وحشتناک قدرت خرید کارگران که امروز همگان به آن اعتراف



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دکراسی شورایی می‌رسانیم که: برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه ست Satellite Yahsat  
فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency  
عمودی Polarization Vertical  
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate  
اف ای سی ۵/۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران  
(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)  
بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران  
(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی را مشاهده کنید.  
۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

[www.didgah.tv](http://www.didgah.tv)  
[www.glwiz.com](http://www.glwiz.com)

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>  
<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهم‌زمان در ایران، اروپا و آمریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی